

هیجان انگیز

بیژن کامکار خواستار حمایت مسئولان از برگزیدگان جشنواره «دفعه‌نوی رحمت» شد

غوغای دفنوازان در سندج

شهروند | یک زمانی ذوق زیر سایه خانقاه‌ها و در حصار بود اما حالا نه تنها این ساز کوبی‌ای در عرصه عمومی مطرح شده است که هر سال هم برای آن جشنواره جداگانه‌ای برگزار می‌شود؛ مثل همین جشنواره بین‌المللی «دفعه‌نوی رحمت» که در روزهای گذشته سندجی‌ها شاهد آن بودند.

این جشنواره با حضور دفنوازانی از ۳۰ استان کشور و گروه‌هایی از عراق، هند و پاکستان در دو بخش رقابتی و جنبی از ۲۲ مرداد ماه با اجتماع بزرگ دفنوازان ایرانی تحت عنوان «آوای دوست» در محل پارک استقلال سندج آغاز به کار کرد و روز گذشته نیز برگزیدگان آن در رده‌های سنی و گروه نوازی معرفی و تجلیل شدند.

به هر حال در سایه نبود حمایت‌های دولتی از موسیقی، شاید این جشنواره روزنه‌ای باشد برای کسانی که عمر خود را پای این کار گذاشته‌اند و این تمام حرفی است که بیژن کامکار به عنوان مهم‌ترین دفنواز ایرانی و دبیر افتخاری این جشنواره هم به آن اعتقاد دارد. او می‌گوید که این جشنواره توانسته با در اختیار گذاشتن فرصت دیده‌شدن برای جوان‌ترها تا حدودی به پیشرفت تخصصی این حوزه کمک کند: «جشنواره بین‌المللی دفعه‌نوی رحمت مسیر خوبی را طی کرده است و مشعل موسیقی ایرانی را روشن نگه داشته است.»

وجود این حرف‌ها و همچنان منتقد این جشنواره است: «استقبال مردم همواره باعث امیدواری ما بوده و هست؛ چرا که مناسفانه مسئولان هیچ حمایتی از برگزیدگان این جشنواره انجام نمی‌دهند. بارها گفته‌ام که باید از برگزیدگان این جشنواره دعوت به همکاری شود، اما از من می‌پرسند در کدام بخش؟ (در حالی که اداره‌های کل ارشاد، آموزش و پرورش و صداوسیما مهم‌ترین متولیان موسیقی هستند جوانان هنرمند و دفنواز به شوق این که سال بعد در این رویداد شرکت کنند یک سال تلاش می‌کنند اما باید برای این هنرمندان فضای کار نیز در نظر گرفت و بخش‌هایی نظیر وزارت آموزش و پرورش، رادیو و تلویزیون و وزارت فرهنگ می‌توانند با راه‌اندازی ارکستر این فرصت را فراهم کنند.» آن‌طور که بیژن کامکار می‌گوید حالا جز استان کردستان، استان‌های دیگر هم در این زمینه موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند: «بعد از استان کردستان، اصفهانی‌ها در این زمینه موفق‌تر عمل کرده‌اند. حدود ۶۰ سال پیش هیچ نوازنده‌ای در کردستان برای تشکیل یک گروه ارکستر وجود نداشت اما اکنون وضع کاملا عوض شده و نوازندگان موفق زیادی در استان حضور دارند. زمانی تنها دفنواز ایران من بودم اما اکنون هزاران نفر در این زمینه فعالیت می‌کنند پس می‌توان در این عرصه موسیقی بیشتر پیشرفت کرد و انتظار می‌رود که این روند رو به رشد به صورت جدی ادامه پیدا کند.» مراسم بزرگداشت این دوره از جشنواره به استاد محمد جلیل عنلیدی از بزرگان عرصه موسیقی ایران اختصاص داشت که با بخش پرتره مستند زندگی این هنرمند و اهدای لوح تقدیر به او برگزار شد. بیژن کامکار، حماد توحیدی، فریدون شهبازیان، منصور مرادی و سعید بهال‌الدین حسینی به‌عنوان داوران این جشنواره معرفی شده بودند.

خبر

جام از زمین برای تیم ملی فوتبال جوانان

تیم ملی فوتبال جوانان ایران در آخرین روز از مسابقات کافا برابر تاجیکستان میزبان رقابت‌ها قرار گرفت و به تساوی یک بر یک دست یافت. ایران با این تساوی ۱۰ امتیازی شد و با توجه به کسب سه پیروزی پیاپی عنوان قهرمانی را کسب کرد. سبروس پورموسوی، سرمربی جوانان ایران، درباره این قهرمانی گفت: «قهرمانی مسابقات کافا را به مربیان پر تلاش و زحمتمکش فوتبال پایه تقدیم می‌کنیم؛ چرا که این موفقیت حاصل زحمات آنهاست. کسانی که هیچ‌اندوایی ندارند و با کمترین درآمدها شناسایی و پرورش استعدادها را به بهترین شکل انجام می‌دهند. درخشش و موفقیت تیم‌های پایه حاصل زحمات آنهاست و مادر سطح ملی از حاصل تلاش این عزیزان استفاده می‌کنیم.»



در هر بار تمرین پناهگیری، در محل‌های امن پناهگیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.



دلخوری پلیس از کامبیز دیرباز

ظواهر انتقاد کامبیز دیرباز از پلیس موتورسوار باعث دلخوری پلیس شده است. او حالا با انتشار ویدیویی، توضیحات دیگری در این باره داده است: «بستی گذاشتم و از برادر موتورسوار پلیس انتقاد کردم. یک عده از دوستان پلیس گله‌مند شدند و گفتند «چرا حمت‌ها به‌جا را نادیده می‌گیری. ۱۲ ساعت روی موتور هستند و هوا هم گرم است.» نیت من فقط این بود که جان همه هموطنان من که برای خانواده‌هایشان عزیز هستند، حفظ شود؛ چه پلیس و چه غیر پلیس. جوان‌های ما قهرمان‌های جامعه‌شان را الگو می‌کنند و پلیس هم همیشه قهرمان جامعه است. من با افتخار در سریال «هیگائیل» لباس پلیس را پوشیدم و برای تک‌تکشان احترام قائلم. امیدوارم که سلامت باشند و در جهت فرهنگ‌سازی برای جامعه بکوشند.»



گزارش خبرنگار «شهروند» در استانبول از زوایای پنهان برگزاری سوپر کاپ اروپا تا کی حسرت همسایه را بخوریم؟

تیم ساعت قبل از شروع مسابقه هنوز بسیاری از صندلی‌ها خالی بود. در واقع بردن گنجایش ورزشگاه بشیکتاش شهر استانبول برگزار شد و به قهرمانی لیورپول منجر شد. مسابقه‌ای که برگزار کننده آن یوفا بود و چند نیروی جوان ترکیه‌ای هم به‌عنوان همیار با همکاری و قرار گرفتن در کنار مسئولان یوفا در بخش‌های مختلف، مورد آموزش اجرایی برگزار می‌شدند. تمام این مشکلات حل می‌شود و مردم هم می‌دانند که فقط می‌توانند سر جای خود بنشینند و اگر یک‌نفر بلیت داشته باشد و در ورزشگاه نیاید هم، صندلی‌اش به کسی دیگری تعلق نمی‌گیرد. روی بلیت شماره گیت ورودی، شماره سکو و شماره صندلی ثبت شده بود و همه می‌دانستند که از کدام نقطه استادیوم باید وارد و خارج شوند. همچنین تماشاگر دقیقاً به تعداد صندلی‌های نصب‌شده در استادیوم حضور دارد و هیچ خبری از ازدحام جمعیت و درگیری نیست. تماشاگران در تیم چلسی و لیورپول در بسیاری از نقاط ورزشگاه بدون مشکل در کنار هم نشسته بودند و بازی را بدون دشمنی تماشا می‌کردند.

بیون ترفیک، رحمت تاورزگاه

ترفیک سسنگین در خیابان‌های منتهی به ورزشگاه؟ درست است که همیشه در زمان برگزاری بازی‌های بزرگ این مشکل در ایران وجود دارد اما در اروپا سالیان زیادی است که با گسترش حمل‌ونقل شهری این مشکل را برطرف کرده‌اند. مثلاً شما اگر با تراموا به سمت ورزشگاه بشیکتاش حرکت می‌کردید، در آخرین ایستگاه یعنی کاباتاش پیاده می‌شدید و با ۳ تا ۵ دقیقه قدم‌زدن در میان جمعیت تماشاگر فوتبال‌الیته حضور پر تعداد پلیس، به استادیوم می‌رسیدید. حالا شما ایستگاه متروی ورزشگاه آزادی را با این مثال مقایسه کنید. مسیری که علاوه بر امنیت بازیکنان عکس می‌گیرند در استانبول تماشاگران اصلاً امکان مردم‌پیدا کردن به این منطقه را نداشتند.

کارناوال شادی در کنار نیروهای پلیس

در کشورهای دیگر سعی می‌شود مقدماتی فراهم شود که مردم با فوتبال از زندگی بدون هیچ مشکلی لذت ببرند. وقتی فلسفه این است، فضای آن هم فراهم می‌شود. سوپر کاپ ساعت ۱۰ شب به وقت استانبول شروع شد. تماشاگران از حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر خوششان را به منطقه بشیکتاش رسانده بودند. با توجه به این که تمام تردد خودرو در تمام خیابان‌های منتهی به ورزشگاه ممنوع بود، تماشاگران با قدم‌زدن در خیابان‌های زیبا و تماشای آثار تاریخی به ورزشگاه می‌رسیدند. در تمام خیابان‌ها و اطراف ورزشگاه‌ها مردم به شادی و پایکوبی و طرفداری از تیم خود مشغول بودند. این کارناوال شادی فوتبال‌تازمان شروع مسابقه ادامه داشت و پلیس هم نهایت همکاری را با مردم داشت و شادی طرفداران چلسی و لیورپول در کنار هم، نه تنها بحران و مشکلی درست نکرد، بلکه باعث نشد که خون از دماغ کسی پایین بیاید. مهم این بود که پلیس امنیت کامل را برقرار کرده بود تا مردم با فوتبال از زندگی لذت ببرند.

ورزشگاه‌های نیم‌ساعت قبل از شروع برد

در ایران وقتی قرار است مسابقات بزرگی برگزار شود، همه می‌خواهند از صبح زود به ورزشگاه بروند تا جای خوبی برای نشستن پیدا کنند. در واقع برای داشتن جای خوب، شما باید ساعت‌ها وقت عمر خود را هدر بدهید و منتظر بمانید. همه می‌دانیم که در فوتبال اروپا اما سال‌هاست که این بحران برطرف شده است. در های استادیوم تخت هیچ شرايطی از صبح روز بازی به روی مردم باز نمی‌شود. چهارشنبه‌شب هم تقریباً از ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه بود که پلیس درهای ورزشگاه را به روی مردم باز کرد. در اینجاست که نباید

آماده میزبانی شده، البته نصب بنرهای گرافیکی که نمای زیبایی به استادیوم و محوطه بیرونی آن داده بود، تا یک روز قبل از بازی طول کشید. این یک آماده‌سازی و تمرین بزرگ برای میزبانی از فینال لیگ قهرمانان اروپا فصل آتی است که باز هم قرار است در استانبول و این بار در ورزشگاه آتاتورک برگزار شود. همان ورزشگاهی که میزبان فینال تاریخی لیورپول میلان در سال ۲۰۰۶ بود. پس از حلالا خودتان را آماده و ارتباطتان با یوفا را بیشتر کنید، تا وقتی اطلاعیه فروش بلیت فینال سال آینده، ماه‌ها بعد منتشر شد، شما از قافله عقب نمانید و بتوانید بلیت مهم‌ترین بازی باشگاهی دنیا را تهیه کنید.

ایرانی‌های پر تعداد بدون بلیت ماندند

برای سوپر کاپ تعداد زیادی از ایرانی‌ها توانسته بودند به استانبول بیایند و مسابقه را از نزدیک تماشا کنند. البته خیلی‌ها به خاطر محدودیت در خرید بلیت از این اتفاق محروم شدند. به‌رحال با توجه به گنجایش کم ورزشگاه، یوفا مجبور بود با سهمیه‌بندی و قرعه‌کشی برای تماشاگران انگلیسی و ترکیه‌ای و سپس تماشاگران سایر کشورها بلیت‌ها را بفروشد، یعنی اول شما باید کتبی‌نام کرده و پس از قرعه‌کشی با شرایط خاص اگر نامتان درمی‌آید نسبت به خرید بلیت اقدام می‌کردید. این پروژه برای فینال لیگ قهرمانان اروپا سال آینده هم تکرار خواهد شد.

بشیکتاش هفتم چلسی شد

محمد صلاح محبوب‌ترین بازیکن حاضر در سوپر کاپ بود، از طرفی هم بیش از ۵۰ درصد سکوهای ورزشگاه در اختیار تماشاگران لیورپول بود، به این ترتیب باید گفت وودافون پارک به یک هفتم‌وقتی برای اعضای تیم چلسی تبدیل شده بود. به این ترتیب سحابش را یکتدی وقت لیورپول قهرمان شد، بخش سرود اختصاصی و تیم‌سوار این تیم (تیم‌ها قدیم‌نخواهی زد) و همخوانی تماشاگران، بازیکنان و مربیان چه جوی را در ورزشگاه حکم فرما کرد.

اقدام انسان دوستانه یوفا

یکی از اقدامات انسان دوستانه یوفا دعوت از چند کودک معلول و نزدیک‌شدن آنها به دو تیم

اظهارات جالب بورگن کلوب درباره ایران

صحبت‌های بورگن کلوب درباره ایران باز تاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی داشت. وقتی او به‌عنوان یکی از بهترین مربیان حال حاضر فوتبال جهان نام سیروس دین محمدی و سرژ ژیک تیموریان را به زبان می‌آورد و از ایران حرف می‌زند، طبیعی است که اظهارات او مورد توجه رسانه‌ها و مردم قرار بگیرد. یکی از خبرنگاران ایرانی در کنفرانس خبری بعد از بازی چلسی لیورپول به کلوب می‌گوید: «شما از زمانی که سرمربی دور نمونه بودید، در ایران طرفداران زیادی داشتید، اما از وقتی به لیورپول آمده‌اید، محبوبیت و طرفداران شما بیشتر هم شده‌اند.» کلوب در این رابطه گفت: «در ایران افراد زیادی مرا می‌شناسند و طرفدارم هستند و در نتیجه ایران جای مناسبی برای گذراندن تعطیلات من نخواهد بود؛ زیرا ترجیح می‌دهم در جایی تفریح کنم که مرا آشناسند!» کلوب البته در ادامه با اشاره به دو همبازی سابق ایرانی خود حرف‌هایش را تکمیل کرد و گفت: «برای من خیلی جالب و خوب است که هواداران کار ما را دنبال می‌کنند. البته فکر کنم بدانید من با دو بازیکن ایرانی سیروس دین محمدی و سرژ ژیک تیموریان هم تیمی بودم. آنها از بازیکنان با تجربه ایرانی بودند. این خوشحال‌کننده است که هواداران زیادی داریم ولی برای که هواداران زیادی از ایران و تهران که واژ پیروزی ما خوشحال شدند. این نکته



تربیون

عبدالجبار کاکایی:



«ابتدال برای خودش جذابیت دارد؛ اتفاقاتی که در حوزه ادبیات ما امروز رخ داده؛ در عالم موسیقی هم این ابتدال را می‌بینیم که ترانه‌های درست و در مان هنری مخاطب ندارد اما ابتدال برای قشر وسیعی جذابیت دارد. الان در شبکه‌های اجتماعی شعری به نام من پخش شده که یکی از مبتذل‌ترین شعرهاست و روح هم از آن خبر ندارد. برای بسیاری از بزرگان چون قیصر امین‌پور و سمین بهبهانی هم این مسأله رخ داده است.»

منوچهر آذری:



شب علی حاتمی عده‌ای از خبرنگاران و عکاسان را دعوت کرده بودند و به ما گفتند که بسا لباس‌های صحنه به استقبال میهمانان برویم. سر میز شام نصرت کریمی گفت کاش من جای دربان گراند هتل بودم که من بلافاصله لباسم را از تنم در آوردم و گفتن نقش یک دربان را هم نتوانستید به ما ببینید؟ به این هم حسادت می‌کنید؟ همه خندیدند و آقای حاتمی گفت محال ممکن بود کس دیگر این‌جا باشد و چنین واکنشی را نشان دهد.»

امیر قلعه‌نویی:



«حسن‌زاده خودش و خانواده‌اش را جای من و خانواده‌ام بگذارد. صد هزار نفر به من توهین کردند، اما من خوب‌ستنداری و سعی کردم اوضاع را آرام کنم و کسی نمی‌تواند منکر این شود. چرا باید یک جلسه محروم و ۴۰ میلیون جریمه شوم؟ این جز حب و بغض هیچ چیز دیگری نیست. قانونی در سال ۹۶ و ۹۷ تصویب شد که قبل از صدور رأی کتبا یا شفاه دفاعیات طرف را هم بشنوند، اما در هیچ کدام از این احکام دفاعیات ما گرفته نشد. اگر با من حب و بغض دارند، بر سر تیم‌خالی نکنند.»

حسین فرکی:



در شروع لیگ به ما کمک کرد تا بازیکنان بیشتر با یکدیگر هماهنگ شوند. بازیکنان ما خودشان را باور دارند و این برای من خوشحال‌کننده است. ما برای گرفتن سهمیه تلاش می‌کنیم و می‌جنگیم و دلیل‌ها هم ندارد که برای رسیدن به این هدف ناامید باشیم. چه کسی باور می‌کرد که پدیده فصل قبل این قدر خوب نتیجه بگیرد یا استقلال خوزستان چهار فصل پیش قهرمان شود؟»

رویداد

قول کارگردان «متری شیش و نیم» در ۳۰ سالگی

سعید روستایی که تاکنون دو فیلم اجتماعی «بدو و یک روز» و «متری شیش و نیم» را در کارنامه کارگردانی خود دارد، حالا همزمان با تولد ۳۰ سالگی‌اش قول داده است که فیلم بعدی را بهتر از دو فیلم قبلی بسازد. او در اینستاگرام خود نوشت: «سسی رنج بر دم در این سال سی. ۱- من دوست داشتم تا قبل از ۳۰ سالگی سه تا فیلم ساخته باشم و تو ۲- نیاشیم. ۲- تو ۲۴ سالگی ابد و یک روز رو نوشتم و تو ۲۶ سالگی ساختمش- تو ۲۸ سالگی متری شیش و نیم رو نوشتم و تو ۲۹ سالگی ساختمش و حالا قول میدم تو ۳۰ سالگی فیلمی بسازم که بیشتر از دو تا قبلی دوست داشته باشین.»

